



مرکز ملی باوردهای علمی و فناوری

سازمان بنادر و دریانوردی به عنوان تنها مرجع حاکمیتی کشور در امور بندری، دریایی و کشتی‌رانی بازرگانی به منظور ایفای نقش مرجعیت دانشی خود و در راستای تحقق راهبردهای کلان نقشه جامع علمی کشور مبنی بر "حمایت از توسعه شبکه‌های تحقیقاتی و تسهیل انتقال و انتشار دانش و سامان‌دهی علمی" از طریق "استانداردسازی و اصلاح فرایندهای تولید، ثبت، داوری و سنجش و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی یکپارچه برای نشریات، اختراعات و اکتشافات پژوهشگران"، اقدام به ارایه این اثر در سایت SID می‌نماید.



سازمان بنادر و دریانوردی

شناخت نقش و اثر قوانین حمایتی - فراهمی و فرهنگ از محیط زیست

در توسعه پایدار دریایی کشور

آذین ودادی؛ دانشجوی ارشد حقوق بین‌الملل

azinevedadi@gmail.com

چکیده:

رقابت در توسعه اقتصادی، خاصه پس از جنگ جهانی اول، کشورهای جهان را بر آن داشته است تا بی‌آن‌که در اندیشه‌ی مراقبت و حفظ محیط زیست باشند، به نحو پیوسته و پایداری در تدارک برنامه‌ریزی برای پیشرفت علمی و فنی و صنعتی قرار دهند. قوانین مدنی و کیفری نیز، دیر پا به میدان گذاشتند و حتی، آن هنگام نیز که ورود نمودند، بسیار دیر بود.

قوانین وضع شده نیز، به طور عمده دارای رویکرد تنبیهی بودند و همین ویژگی، بر وخامت امر مراقبت از محیط زیست می‌افزود، چرا که تا پای «امر فرهنگ» به میان نمی‌آمد، قوانین موضوعه، نمی‌توانستند به نحو روشنی در موضوع مراقبت از محیط زیست، عملکردی «زیست محور» داشته باشند. قوانین، مرتکبین را مجازات می‌کرد و این نیز به زمانی برمی‌گشت که، بر محیط زیست آن رفته بود که اساساً نمی‌بایست می‌رفت!

از کانون‌ها و مراکز آموزشی که انتظار می‌رفت تا بر آموزش و پرورش آموزه‌های زیست محیطی بکوشند، آنان نیز، چه در کشورهای توسعه یافته و چه در کشورهای در حال توسعه، خواهان طرح‌ریزی آن نوع از برنامه‌های آموزشی شدند که هم از نظر فنی،

فن‌آوران و به لحاظ بهره‌برداری نیز، معطوف به اقتصاد و به طور نسبی عمل‌گرایانه باشد. لذا دروس علمی در مقایسه با تدریس دروس فرهنگی، اهمیت بیش‌تری یافتند و به این ترتیب، باز هم امر فرهنگ و محیط زیست مغفول ماند. این مقاله پژوهشی با رویکرد حقوقی و از زاویه ضرورت وضع قوانین حمایتی - فراهمی، بر اهمیت به کارگیری «فرهنگ» در خصوص «محیط زیست» و «حفاظت از آن» متوجه است. رهیافت این مقاله آن است تا بگوید که: برپایه‌ی دستاوردهای اخلاقی ناشی از دیدگاه ناظر آرمانی^{۱۹۰}، و فرهنگ‌سازی از یک‌سو، و وضع قوانین حمایتی - فراهمی زیستی از سوی دیگر، می‌توان مبادرت به تعیین جایگاه حقیقی فرهنگ و نقش زیرساخت‌های فرهنگی در زمینه محافظت از محیط‌زیست نمود. جهت‌گیری این مقاله پژوهشی، امر فرهنگ و محافظت از محیط‌زیست دریایی است و معتقد است که به پشتوانه‌ی وضع قوانین حمایتی - فراهمی، می‌توان به خوبی رابطه‌ی کنشگران صنعتی - اقتصادی حوزه‌ی دریا و فعالان صنعت کشتی‌رانی، بندری، دریایی، صنایع دریایی، فراساحل و معادن (نفت-گاز) را با محیط زیست ایجاد نمود. به عبارتی اگر هدف از پیشرفت، رسیدن به توسعه باشد، باید دانست که امر توسعه‌ی فرهنگی، گام نخست در دفاع از انسان، محیط زیست و بهبود رابطه‌ی انسان با طبیعت و محیط زیست است. توسعه‌ی فرهنگی مکمل کیفی و محتوایی توسعه عمومی و مقوله توسعه پایدار است که باید تحت هر شرایطی موجبات احترام به محیط زیست و حفظ آن را فراهم آورد، و به آن توجه عمیق نماید.

^{۱۹۰} - داور از فعالیت‌های روزمره، امر فراگیر انسان‌هاست. در این کار، معیارهایی را به عنوان نقطه شروع اقدام خود، که همان ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هستند، به کار می‌گیریم. در حقیقت ارزش‌ها و هنجارها، ویژگی‌های دنیای آرمانی، رفتار آرمانی، فرد آرمانی، شهروند آرمانی و ... را بیان می‌کنند. غرض از داور و ارزیابی، چیزی نیست مگر نشان دادن مطابقت یا عدم مطابقت موضوع مورد داور، با مشخصه‌های آرمانی آنچه که داور و ارزیابی می‌کنیم.

کلید واژه‌ها: قوانین حمایتی - فراهمی، فرهنگ، قوانین عرفی، کنش گران اجتماعی - اقتصادی، مسوولیت‌های مدنی، دموکراسی

مقدمه

به طور معمول، برداشت ما از امر حقوق به بیان گزاره‌هایی چون پی‌گیری یک دعوی حقوقی در صورت ارجاع به مراجع حقوقی، تشکیل پرونده، برپایی دادگاه و صدور رأی متوجه است. بر این اساس، مباحث حقوقی، کم‌تر به گزاره‌هایی که متوجه جنبه‌های حمایت‌کنندگی (حمایتی) و فراهم‌سازی زمینه‌های لازم برای پشتیبانی از اجرای قوانین (فراهمی) هستند، توجه شده است. جنبه‌های حمایتی و فراهمی، به زیرساخت‌هایی ارتباط دارند که اساساً در حوزه‌های «پیش‌گیری و مباحث فرهنگی حقوق» تعریف می‌شوند. طبعاً به نظر می‌رسد که بحث در خصوص این چنین مواردی از مفهوم کارکردی «حقوق» دارای فاصله باشد چرا که هرگاه سخن از «حقوق» و «قانون» به عمل می‌آید، بسیار کم دیده شده است که نسبت به موضوع‌ها و مصداق‌ها و اقدام‌های پیش‌گیرانه، بحث شده باشد.

آن هنگام که بخواهیم، از منظر «فرهنگ سازی» و تقویت جنبه‌هایی از اقدام‌های فرهنگی به موضوع بنگریم، با داده‌های اندکی رو به رو هستیم. قصد اصلی رسیدن به مقصدی است که زمینه‌های ارتقای فرهنگ کنش گران دریایی را در مراقبت و محافظت از محیط زیست دریایی فراهم آورد و گرنه، همواره مفاد حقوقی مرتبط با موضوع، در اختیار بوده و هستند. اما در مراجعه به «رهیافت‌های عملکردی» می‌بینیم که بسیار کم به این رویکردهای فرهنگی و بازدارندگی از منظر اخلاق حرفه‌ای توجه شده است و کم‌تر از آن، فقدان یک شناخت نسبی و عمومی نسبت به ظرفیت‌های حقوقی برای «فرهنگ‌سازی» و «اشاعه‌ی فرهنگ حقوقی» به منظور تقویت زمینه‌های پیش‌گیری و

جاری سازی اقدام‌های حمایتی - فراهمی است.

جنبه‌ی شفاف و صریح این مقاله پژوهشی تأکیدی است بر امر تقویت و ترویج فرهنگ دریایی، که گوشه‌ی قابل تأکید و پررنگی از آن، مقوله «محیط زیست دریایی» است.

تشریح موضوع

توسعه از نظر متفکرین علوم اقتصادی و اجتماعی، به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظم اجتماعی به سوی زندگی بهتر و انسانی‌تر است (تودارو، مایکل ۱۳۶۹: ۲۳). از طرف دیگر، مواردی وجود دارد که حوزه‌های عمل و اقدام را در تعقیب برنامه‌های اجرایی و عملیات توسعه‌ای، درگیر خود می‌سازد. این مورد، دال بر آن است که چنین توسعه‌ای، نمی‌باید تا به نسل‌های آینده در تامین نیازهای خود از منابع و قابلیت‌های در اختیار، لطمه‌ای وارد کند (فراهانی‌فرد، سعید، ۱۳۸۴: ۱۱۴). ترکیب این دو نظر، در یک چارچوب حقوقی، وظیفه‌ای را برای امر حقوقی مراقبت از سرمایه‌های بالقوه جامعه، به این معنا که باز دارنده از تهدید این منابع باشند، پیش روی قرار می‌دهد. موضوعی که ماهیتاً دارای یک ریشه، در قلمرو دانش و علم حقوق است. ریشه‌ای که سببی برای تامین برگ و بار جامعه در برخورداری از نظم اجتماعی به سوی زندگی بهتر و انسانی‌تر است.

توسعه پایدار، ترکیبی از دو واژه با دو جنبه‌ی متفاوت است. دو جنبه‌ای که به مانند «دارو» در پزشکی، حکم شمشیر دو دم را دارد. بنگریم به انتظاری که از توسعه مطرح است و ببینیم که تحقق این انتظار، به قیمت چه زبانی برآورده می‌شود. انتظار، پیشرفت اقتصادی و صنعتی است، اما کمی بی‌توجهی، دم دیگری از این شمشیر را نمایان می‌کند که آن، «نگهداری کیفیت زندگی انسان‌ها و مراقبت از سلامت محیط زیست» است. حاصل این ضربه‌های دوسویه، جرقه‌هایی است که دامن نسل‌های آینده را

می‌گیرد، به این معنا که از یک‌سو، عملکرد کنش‌گران و فعالان حوزه اقتصاد و صنعت، باید امر توسعه را به پیش راند، و از سوی دیگر چنانچه این پیشرفت با بی‌توجهی به محیط زیست جاری گردد، به فضای محیط زیست تعرض شده و به آن آسیب جدی وارد می‌سازد. نتیجه این چالش، وضعیت و شرایطی است که نسل آینده خواهد داشت. برخی از این آسیب‌های قابل پیش‌بینی چنین خواهند بود.

- آب وهوایی آلوده به انواعی از الایندها که جان انسان و طبیعت را تهدید می‌کند.

- تخریب سطح پایه مقاومت‌های زیست محیطی، قابلیت منابع و فضولات صنعتی دیرهضم برای طبیعت.

- جنگل‌ها، دریاها، دشت‌ها و کرانه‌های ساحلی آسیب‌دیده و بیابان‌هایی که به یاد ندارند روزی جنگل بوده‌اند، یا انسان‌هایی که در قصه‌ها خواهند خواند که دریا، آبی هم داشته است!

قابل ذکر است که این دو جنبه‌ی متفاوت، در یک معنا، قصد وفاق و واداد دارند که آن اتحاد در زیر چتر و مقوله «توسعه پایدار» است.

حاصل این اتحاد امری درست است. به هر حال چه مدافعان محیط زیست، چه کنش‌گران امر توسعه و چه حقوق‌دانان، دارای این محور مشترک فکری هستند که در مقوله توسعه، پیوست دو مفهوم «اقتصاد» و «اکولوژی» امری طبیعی و برخاسته از طبیعت و اقتضای محیط است.

آنچه که در این فرایند ذهنی مطرح است و هیچ‌کس، نافی آن نیست، وجود جنبه‌ی «پویایی» مقوله توسعه است. این موضوع در تعاریف توسعه این چنین آمده است؛ «آنچه در تعاریف مربوط به توسعه پایدار مشترک است، جنبه‌ی پویایی آن، رفع

نیازهای اساسی، توجه خاص به حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب و آلودگی است» (دیرباز عسگر و حسن دادگر، ۱۳۸۶ : ۲۹).

قاعده‌ای به عنوان «حقوق» قابل احترام است که علاوه بر تامین آسایش و نظم عمومی، حافظ عدالت نیز می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶ : ۱۹) به همین منظور، وضع قوانین و توسل به آن‌ها را برای اثبات یا رد دعوا، بی‌هیچ نگاه جانبدارانه‌ای به کار می‌گیرد. قصد آن، ایجاد «انگیزه حقیقت» است و برای علم حقوق و کنش‌گران حقوقی، چه چیزی برتر از کشف حقیقت و اجرای عدالت است.

حال چنین موضوعی آن هنگام که به دریا راه می‌یابد، «فراگردها» و «فراسوهای» دیگری به خود می‌گیرد. بحث دریا، بحث دو سوم هستی ما را شامل است و محیط زیست دریا خود جهانی در جهان ماست که اندکی بی‌مهری نسبت به آن، به منزله‌ی بی‌مهری به تمامت کره زمین است چه رسد به بی‌مهری به توسعه پایدار!

مطالعات نشان می‌دهد که از ابتدای شکل‌گیری طرح‌های توسعه‌ای به مفهوم معاصر آن، همواره سرمایه‌ای به نام «دریا» را درگیر طرح‌های توسعه‌ای نموده است. مسایلی هم‌چون توسعه نسلی بنادر، افزایش ظرفیت بارگیری کشتی‌ها، حمل بارهای خطرناک و فرآورده‌های شیمیایی، مساله آب توازن، آسیب‌دیدگی شناورهای حامل مواد نفتی و فسیلی و جریان‌یابی آن‌ها در دریا، ریخته شدن فصولات صنعتی کارخانه‌ها و تاسیسات صنعتی مستقر در شهر - بندرها، پساب و فاضلاب شهرهای کرانه‌ای دریا و موارد دیگری از این قبیل. شروع بی‌توجهی به مساله آلودگی دریاهای، در این بینیم که در آغاز رونق صنعتی شهرهای کرانه‌ای، با چه شور و شوقی نسبت به راه افتادن دود و دم و گرد و خاک کارخانه‌ها و تاسیسات صنعتی، لبخندی زدیم و آن‌ها را شاخص و نمایه پیشرفت اقتصادی و مدرنیزه شدن تکنولوژی و صنعت به شمار آوردیم. در این میان خود را مجاب نساختم تا قدری، «حقوقی» اندیشه کنیم و از

قضاوت یک طرفه پرهیز کنیم. ما فقط از «توسعه» حمایت کردیم و «محیط زیست» را تک و تنها گذاشتیم و در «فضای حقوقی» و «امر قضاوت»، وکیل خوبی برای موکل آسیب‌دیده‌ای چون محیط زیست نشدیم.

مساله مورد بحث:

همواره بشر در شوق دستیابی به توسعه هرچه بیش‌تر تکنولوژی و صنعت کوشیده است. این مساله به آرزوهای بلند بالای آدمی مرتبط است. در این راه آدمی بیش از آن که بتواند محیط زیست را در باز تولید آن چه که از دست داده یاری دهد، پیوسته در بهره‌برداری از آن، کوشش بسیاری از خود نشان داده است.

اما و در آن سوی خط این نبرد، جامعه‌هایی به دفاع از طبیعت دریا و جامعه‌های دریایی برخاسته و خواهان «دفاع» از «حقوق محیط زیست دریایی» شده‌اند. تلاش این مدافعان محیط زیست و محیط زیست دریایی آن است که بگویند این فرایند پیچیده در بهره‌برداری از محیط زیست سبب شده است تا، «حقوق» نسل‌های آینده، حقوق آبزیان و گیاهان، حقوق جلوه‌های بصری و زیبایی کرانه‌ها، حقوق آب و هوا، در مدار زندگی انسان‌ها و منبع تغذیه انسان‌ها از آبزیان، به واسطه انسان و توسعه‌گرایی‌های بدون ملاحظه‌اش در معرض تهدید جدی قرار گرفته است.

اعتقاد بر این است که باید منشا مسوولیت دولت‌ها در قبال آثار زیان‌آوری که بر محیط زیست دولت‌های دیگر می‌گذارند، در مفهوم حاکمیت سرزمینی جستجو کرد (پورنوری، ۱۳۸۳: ۱۴۹) و از آنجایی که هر منطقه دریایی دارای خصوصیات جغرافیایی و محیطی خاص خود است، در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، سعی شده است تا دولت‌ها به صورت منطقه‌ای، با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص هر منطقه، در تدوین مقررات منطقه‌ای بر اساس اصول بین‌المللی ملزم شده‌اند تا در جهت حفظ محیط زیست دریایی با یکدیگر همکاری کنند. مزید بر آن، کشورها ملزم و موظف

شده‌اند، تا با رعایت توان اقتصادی کشورهای در حال توسعه، مقررات لازم جهت مبارزه با آلودگی محیط زیست ناشی از منابع زمینی و دریایی را بر اساس مقررات منطقه‌ای و جهانی به وسیله دولت‌ها تدوین کنند (توجه به بخش ۵ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲، قواعد بین‌المللی و قوانین داخلی برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی محیط زیست دریا این موضوع را تبیین می‌دارد).

با وجود تلاش‌های قانونی گسترده در راه مبارزه با آلودگی محیط زیست و هم‌چنین کوشش برای مقابله حقوقی با منابع آلودگی، کماکان شاهد فجایع زیست محیطی هستیم. هم‌زمان نیز شاهد تعرض‌هایی به محیط زیست دریایی می‌باشیم که فاعلان آن، چشم بر مقررات و قوانین کنوانسیون‌ها بسته و به واسطه اقدام‌های خود، موجب آلودگی محیط زیست دریایی شده‌اند. مساله اصلی، این است که با وجود قوانین متبادر از کنوانسیون‌های دریایی و تعهدات منطقه‌ای (به مانند کنوانسیون ۱۹۷۸ کویت، کنوانسیون ۱۹۷۴ هلسینکی برای مقابله با آلودگی دریای بالتیک، کنوانسیون ۱۹۷۲ اسلو) چرا باز باید شاهد آمارهای زیست محیطی در بروز تنوع و تکثر آلودگی باشیم. به نظر می‌رسد که شایسته و مناسب باشد تا جهت‌گیری رویکردهای خود را از رویکردهای ترذیلی و تنبیهی به رویکردهای بازدارنده و حمایتی و فراهمی تغییر دهیم و در این راستا، هم از ابزار قانون و هم از ابزار فرهنگ استفاده کنیم. لازمه‌ی حرکت در این مسیر، اتخاذ رویکردی است که استوار بر «فرهنگ» و «وجدان اخلاقی - فرهنگی» جامعه‌های دریایی، نوابران کشتی‌های تجاری، صیادی و مسافری، جامعه‌های بندری، کنش‌گران حوزه صنعت کشتی‌سازی و تعمیر و نگهداری کشتی و ... باشد.

در این رویکردهای بازدارنده و حمایتی و فراهمی، هدف آن است تا، وجدان اخلاقی فرهنگی و خودآگاه جامعه و فرد که ناظر بر مراقبت و محافظت از محیط زیست

دریایی باشد تقویت گردد. با این انتظار که تقویت قوانین حمایتی مشوقی برای مدافعان حقوق محیط زیست و عمل‌گرایان این حوزه گردد.

ادبیات موضوع

۱- بحث در باره چیستی قوانین حمایتی - فراهمی.

باید گفت که ماهیت قوانین حمایتی - فراهمی، به گونه‌ای است که در کنار قوانین ترذیلی و تنبیهی قرار گرفته می‌شود هرچند که متاسفانه پس از توصیف آن‌ها گمان می‌رود که در نقطه مقابل آن‌ها قرار گرفته‌اند. به عبارتی، اگر در خصوص یک حادثه با آثار نامطلوب زیست محیطی دریایی قوانین ترذیلی و تنبیهی، چوب قانون را به پای کشتی و عوامل آن می‌زنند، قوانین حمایتی و فراهمی، می‌کوشند تا با اقدام‌های حمایتی از کنشگران دریایی و با انجام اقدام‌های فراهمی، زیرساخت‌های رفتاری و فرهنگ کنش با طبیعت راه، برای کشتی و عوامل آن توجیه و تاکید کنند. این یک مقوله طبقه‌بندی شده در چارچوب «هنجارها»ی منتج از «فرهنگ» و «کارکرد»های مبتنی بر «فرهنگ» است. یعنی به جای آن که چوب قانون را به پای کشتی و عوامل آن بزنیم، قانون را آن‌گونه به کار گیریم که منتهی به پرورش فرهنگ شود و به طور بنیادی «فرصت‌های ایجاد بزه» بر علیه محیط زیست را از بین ببرد.

در مقوله‌ی «هنجارها»، فرهنگ به معنای آرمان‌ها، ارزش‌ها، یا «قواعد زیستی» تعریف می‌شود و در مقوله‌ی «کارکردها»، فرهنگ، طریقی است که انسان‌ها مسایل ناشی از تطبیق دادن خود با محیط و هم‌چنین دشواری‌های برآمده از هم‌زیستی با یکدیگر را حل می‌کنند و بر این اساس، قوانین حمایتی - فراهمی، کوشش دارند تا «قدرت همگانی»، «قدرت نهادهای مدنی» و «قدرت ساختارهای اجتماعی» را افزایش

دهند و به این ترتیب، حرکت به سمت «نوگرایی» را که متضمن استیلای «فرهنگ و اخلاق» به جای اتکای محض بر «قانون» است، آغاز کنند.

از جمله هدف‌های متعلق به این رویکرد، تقویت سیاست‌های کثرت‌گرا است که در پاسخ به نیازهای زیست محیطی مطرح می‌شوند. به مفهومی دیگر، قوانین حمایتی - فراهمی، به عکس قوانین تنبیهی، دارای قابلیت‌های فراگیرنده هستند و به جای آن‌که تاکید خود را بر مجازات متجاوزین به محیط زیست متمرکز سازند، کوشش دارند تا «ناظر آرمانی»، «وجدان عمومی» جامعه، کنشگران اجتماعی، ارکان و نهادهای اجتماعی، مطبوعات و سیاست‌های دمکراتیک را حاکم بر مراقبت از محیط زیست قرار دهند.

بنابراین آنچه که در اینجا اهمیت می‌یابد، تقویت «فرهنگ زیست محیطی» است و مفهوم توسعه در حوزه جامعه، چیزی نیست جز تسلط «اخلاق و فرهنگ» بر رفتارهای جامعه. رفتارهایی که انتظار است تا به پشتوانه امر اخلاق و فرهنگ در حمایت از محیط زیست خود را مسوول مستقیم بدانند. توجه به محیط زیست را نمی‌توان به اجبار ایجاد کرد. بلکه این «فرهنگ و اخلاق» است که می‌تواند وجدان فردی و وجدان عمومی را متوجه محیط زیست کند. توانایی وجدان فردی و جمعی، در ایجاد رویکردهای مطلوب و شایسته به محیط زیست و حمایت از ارزش‌های زیست محیطی، تابعی از سیاست‌ها و روش‌ها برای دستیابی به امر توسعه فرهنگی - اجتماعی است. متأسفانه، باید اذعان داشت که مسایلی مانند نظارت‌های قانونی، وضع و اجرای قوانین تنبیهی و شیوه‌های آمرانه و مراقبتی و اعمال فشار قانونی برای اجرای ملاحظات زیست محیطی، از حیث اثربخشی به آن سطح و عمقی که مورد انتظار بوده است، نتوانسته است تا پاسخ‌گو به جامعه‌های دریایی و محیط زیست باشند. گزارش‌های زیست محیطی حاکی از آن هستند که با وجود بسیاری قوانین نظارتی زیست

محیطی، باز شاهد آلوده شدن آب‌ها و محیط زیست دریایی، هوا و ... هستیم. این همه مسایل نشان می‌دهد که لازم است تا با تفکری کثرت‌گرا، پای‌بند به ناظر آرمانی جامعه‌ای و نهادهای مدنی، برای تحقق فرهنگ زیست محیطی مجموعه سیاست‌هایی مناسب را در این زمینه به کار گیریم. در این جا و به منظور تحقق چنین انتظاری به رویکردهای توسعه‌گرا در حوزه «فرهنگ و اخلاق» و نگاه مسوولانه به محیط زیست نیازمندیم.

امروزه «فرهنگ و توسعه» و «دموکراسی و توسعه»، به عنوان اهداف جهانی جوامع ملی، در اکثر مواقع در کنار هم به کار برده می‌شوند. با این وجود، نظریه‌پردازان این واژه‌ها را فی‌نفسه، ارزش یا هدف نمی‌دانند بلکه آن‌ها را برای نشان دادن شرایط یا وسایل «کنش جمعی» به کار می‌برند (لفت‌ویچ، آدریان، ۱۳۸۹: ۳۳).

به این ترتیب، مجموعه قوانین حمایتی - فراهمی تلاش دارند، تا در هر یک از دو مقوله حمایتی و فراهمی، از فرایندهای «حامی» محیط زیست (فرایندهای مدیریتی، نظارتی، عملیاتی و اجرایی و حقوقی) دفاع و به پشتوانه قوانین فراهمی، روند توجه به محیط زیست را ساده‌سازی و تسهیل کنند.

۲- بحث در باره صورت کلی قوانین حمایتی - فراهمی

طبق کنوانسیون ۱۹۵۸ دریای آزاد، هر کشوری هنگام استفاده از دریای آزاد باید به منافع سایر کشورها توجه لازم را مبذول دارد و آن‌ها را رعایت کند. در ماده ۲ این کنوانسیون آمده است:

«دولت‌ها مکلف هستند تا از هرگونه اقدامی که آثار زیان‌آور بر دریای آزاد را در پی داشته باشد، که موجب تضییع حقوق دیگران در این منطقه می‌شود جلوگیری کنند». دولت‌ها این موضوع را به عنوان اصلی از حقوق بین‌الملل تلقی می‌کنند زیرا

تدوین‌کنندگان کنوانسیون ۱۹۵۸ قصد خود را مبنی بر تأسیس اصول حقوق بین‌الملل اعلام داشتند.

اما در برخی زمینه‌ها هنگامی که اصول حقوق بین‌الملل مقررات صریحی برای جلوگیری از آلودگی‌های دریایی نداشته باشد حقوق بین‌الملل عرفی که ناشی از رویه‌ی دولت‌ها است قابل اعمال خواهند بود.

در رویه‌ی قضایی دولت‌ها آمده است که هیچ دولتی نمی‌تواند به منافع دولت‌های دیگر خسارتی وارد کند به‌خصوص باید از انجام اقدامات مضر در محیط دریایی کشور دیگر جلوگیری به عمل آورد. اما حقوق بین‌الملل عرفی دولت‌ها دارای نواقصی بود و این نواقص باعث شد تا دولت‌ها بتوانند در یک جامعه‌ی جهانی به مقررات و تصمیمات مشخص و بارزتری در قالب کنوانسیون‌های بین‌المللی دست بزنند.

دولت‌ها در کنفرانس استکهلم، کنوانسیون ۱۹۷۲ اسلو و کنوانسیون ۱۹۷۲ لندن در مورد جلوگیری از آلودگی و جلوگیری از ریختن زباله بحث‌هایی مطرح کردند که دایره‌ی شمول این مباحث در کنوانسیون ۱۹۸۲ دریاها توسعه پیدا نمود. به طوری که این کنوانسیون مباحث جامع‌تر و کلی‌تری را در مورد محیط زیست دریا مطرح کرده است و در این زمینه تعهداتی برای دولت‌ها ایجاد کرده است.

تعهدات دولت‌ها شامل مواردی به شرح زیر است:

جلوگیری از آلودگی محیط دریایی هنگام بهره‌برداری از منابع طبیعی در منطقه بهره‌برداری، با تکلیف کنترل و کاهش انتشار آلودگی و تبدیل آن به نوع دیگری از آلودگی که منجر به خسارت دیگران نیز می‌شود (پورنوری، ۱۳۸۳: ۱۵۳).

ایجاد مقررات و تصمیمات در خصوص مبارزه با آلودگی محیط زیست دریایی هم در سطح منطقه‌ای و هم جهانی باید توسط دولت‌ها اتخاذ شود. تعهدات دولت‌ها برای حفظ محیط زیست دریایی به صورت اصول حقوق بین‌الملل شکل گرفته است به طور

مثال: دفع هرگونه زباله در مناطق دریای سرزمینی و منطقه‌ی انحصاری اقتصادی دولت‌ها بدون اجازه از مقامات ذی‌صلاح آن دولت‌ها طبق قانون داخلی دولت‌ها ممنوع است.

۳- بحث در باره صورت «معنایی» قوانین حمایتی - فراهمی

صورت «معنایی» قوانین حمایتی بر گزاره‌های زیر تاکید دارد.

- ۱-۳ قوانین حمایتی، از «مدیریت» برای انجام هر برنامه‌ای که منجر به حمایت از برنامه‌های زیست محیطی باشد، حمایت می‌کنند.
 - ۲-۳ قوانین حمایتی، از «مدیریت» برای انجام برنامه‌های فرهنگی و به منظور توسعه فرهنگ زیست محیطی، حمایت می‌کنند.
 - ۳-۳ قوانین فراهمی، می‌کوشند تا زیرساخت‌ها، روش‌ها و نحوه‌های حمایت از برنامه‌های فرهنگی برای تقویت برنامه‌های زیست محیطی را فراهم کنند.
 - ۴-۳ قوانین فراهمی، تسهیل‌گر فرایندهای عملیاتی با هدف حمایت از برنامه‌های مرتبط با توسعه‌ی فرهنگ دریایی به منظور تحقق امر فرهنگ زیست محیطی هستند.
 - ۵-۳ قوانین فراهمی - حمایتی، بر ایجاد زمینه‌ها و زیرساخت‌هایی تاکید دارند که به واسطه وجود آن‌ها بتوان، قدرت درک موضوع‌های زیست محیطی و قدرت درک مسوولیت کشورهای دریاکران، دریانوردان، مدیران صنعتی و کنش‌گران حوزه فعالیت‌های دریایی، بندری و ساحلی کشورهای اطراف دریاها را در اعمال یک توجه خودکار و خودانگیزی و خودجوش و خودمحور، افزایش داد.
- در این جا، قدرت شناخت، به معنای «کوششی به منظور یافتن جایگاه منطقی یک مفهوم در چارچوب کلی حوزه‌های ذهنی» (مانهایم، کارل، ۱۳۸۹: ۲۴) به کار گرفته شده است. رویه‌ای که به واسطه آن، به جای داشتن یک آگاهی نسبت به «چیستی محیط زیست»، ما نسبت به «چیستی وظایف» خود در برابر «محیط زیست»، شناخت

پیدا کنیم. علاوه بر این خواهان آن هستیم تا به این شناخت برسیم که به عنوان یک کنش‌گر دریایی - بندری - ساحلی، بخشی از «شخصیت اخلاقی، زیستی و فرهنگی» ما را، توجه به مسایل «فرهنگ دریایی» و «مسایل دریایی» و «زیست محیطی دریایی» را تشکیل می‌دهد.

۳-۶ قوانین حمایتی - فراهمی، منطقی را در ما پرورش می‌دهند که با مفهوم‌ها، قضاوت‌ها و نظام‌ها، از منظر «اعتباری» که به شخصیت ما می‌بخشند نگاه کنیم. به این معنا که طی یک فرهنگ‌سازی نهادینه شده، من بخشی از اعتبار خودم را در این بینم که چه اندازه به محیط زیست توجه می‌کنم.

درک درست پدیده‌های زیست محیطی، همواره متضمن تفسیر «معانی زیست محیطی» است. تفسیری که شناخت اثر آسیب‌هایی که از طریق «محیط زیست» به ما می‌رسد، با آن همه بزرگی، بخشی کوچکی از آن را تشکیل می‌دهند. «معانی زیست محیطی» را نمی‌توان همانند آب و هوای آلوده، کشند سرخ، ماهیان مرده، مرغان دریایی آلوده به نفت سیاه، اسفنج‌های دریایی مرده، فک‌های بیمار، جنین‌های انسانی ناقص‌الخلقه و ... مشاهده کرد. بلکه، درک معانی زیست محیطی، درک منطقی و فلسفه‌ی رفتارهایی است که موجب فجایع فوق می‌شود و متأسفانه هم قانون و هم مجریان قانون در برابر آن ساکت هستند. درک معانی زیست محیطی، مستلزم درک یک «کلیت زیستی» است که اجزایش را عناصر معناداری تشکیل می‌دهند که از طریق وجدان فردی و جمعی، اخلاق حرفه‌ای، فرهنگ زیستی، آرمان‌گرایی و هدف قوانین حمایتی و فراهمی ما معنادار می‌شوند. به عبارت دیگر، درک معانی زیست محیطی، جدای از مشاهده‌ی آثار آسیب دیدگان زیست محیطی است.

به این ترتیب، درک معانی زیست محیطی، درک آن روشی است که باید منطبق با منطق طبیعت، روند تکامل طبیعت و علوم طبیعی، کار خود را انجام دهد.

با توجه به مراتب فوق، ملاحظه می‌شود که قوانین حمایتی - فراهمی کوشش دارند تا ابزارهای آموزشی - پرورشی موجود، اعم از «مدارس، دانشکده‌ها، سینما و رادیو و تلویزیون، مطبوعات، فضای مجازی، تبلیغات و ... را در خدمت «فرهنگ سازی» به کار گیرند. هدف این خدمت‌گزاری آن است تا نظام آموزشی و پرورشی را برای آموزش و پرورش مدیریت، زیرساخت‌های مادی و معنوی، قدرت شناخت و نحوه اعتبار آفرینی برای شخصیت کنش‌گران به کار گیرد.

۴- بحث در باره صورت «شکلی و عملیاتی» قوانین حمایتی - فراهمی و

فرهنگ

نخستین نوع صورت شکلی و عملیاتی قوانین حمایتی - فراهمی، ساختاری است که بر رابطه‌ی سه‌گانه‌ی قصد - وسیله - هدف تاکید می‌کند. قصد - وسیله - هدف موضوع‌هایی هستند که در «حقوق»، معانی بسیاری را در شمول خود دارد. صورت اولیه و معنای ساده‌ای از آن این است که پرسیده می‌شود آیا فاعل یک عمل، با «هدف» معین و مشخص شده‌ای، «قصد» انجام یک فعل را داشته است؟ و آیا «وسیله» به کار گرفته شده، با «هدف» اولیه و مشخصی، انتخاب و مورد استفاده واقع شده است؟

رابطه‌ی سه‌گانه‌ی قصد - وسیله - هدف به این می‌پردازد که یک فعل و یا یک عمل، چه نکته‌ای را در باره جهت‌گیری کلی فاعل کار، آشکار می‌سازد. قوانین حمایتی - فراهمی در صورت شکلی و عملیاتی، هر عمل و هر فعلی از سوی کنش‌گران با محیط زیست دریایی را از منظر قصد - وسیله - هدف ارزیابی می‌کنند. قوانین حمایتی - فراهمی و رویکرد قوانین را به سمتی تعریف و هدایت می‌کنند تا عملاً، از هر «رفتاری» که با هدف مراقبت، پاسداری، تبلیغ، اقدام و حمایت از محیط زیست انجام می‌دهند، دفاع کنند. مترادف با آن، از هر رفتاری که موجب تقویت این

رویکرد شود نیز «حمایت» و زمینه‌های مورد نیاز را «فراهم» آورند. مترادف با این رویکرد، ضرورت پرداختن به «امر فرهنگ» و فرایند «عمل و اقدام فرهنگی» مطرح می‌شود که آن نیز مستلزم پدیدار ساختن موضوع فرهنگ در متن جامعه است. در گزارش نهایی کنفرانس دولت‌های اروپایی در باره‌ی «سیاست‌های فرهنگی که در تاریخ ۱۹ الی ۲۸ ژوین ۱۹۷۲ در هلسینکی برگزار شد، آمده است:

«فرهنگ را نمی‌توان صرفاً مجموعه‌ای از آثار ادبی و علمی دانست که توسط فردی نخبه عرضه یا جمع‌آوری و نگهداری می‌شود و توسط او در دسترس همگان قرار می‌گیرد. «فرهنگ» چیزی نیست که مردمی که از نظر گذشته و میراث غنی هستند به عنوان یک الگو به دیگران عرضه کنند، به دیگرانی که تاریخ خودشان نتوانسته است چنین الگویی را در اختیار آنان قرار دهد. «فرهنگ» به دسترسی به آثار هنری و ادبی محدود نمی‌شود، بلکه به طور همزمان، تحصیل دانش، اتخاذ روشی خاص از زندگی و نیاز به ارتباط را در برمی‌گیرد؛ فرهنگ سرزمینی نیست که فتح شود یا به تصرف درآید، بلکه فرهنگ روشی است برای رفتار با خود، با هم‌نوعان خود و با طبیعت و محیط زیست. در کنفرانس جهانی «آموزش برای همگان» که در مارس ۱۹۹۰ میلادی در «جامتین» تایلند برگزار شد، اصل آموزش برای همه و اصل فرهنگ برای همه این‌گونه تعریف و تاکید شد که: «فرهنگ» صرفاً متعلق به نخبگان علوم اجتماعی، روشنفکران و هنرمندان و تاریخ‌شناسان و پژوهشگران حوزه مطالعات فرهنگی و .. این قبیل اقشار نیست. بلکه فرهنگ در حوزه «شناخت و رفتار» حق تمامی انسان‌ها از کلیه نژادها، ملیت‌ها، مذاهب، زن و مرد، غنی و فقیر، می‌باشد. آنان حق دارند شناخت یابند و بیاموزند و اراده و اقتدار یابند تا به پشتوانه آموخته‌هایشان بدانند که وظیفه دارند تا فرهیختگی‌اشان را در فضای کنش اجتماعی و اقدام و عمل به کار گیرند. به واقع وضع قوانین حمایتی - فراهمی، امکانی حقوقی - اجتماعی، به

منظور نمود توسعه عمومی، دموکراسی و فرهنگ زیست محیطی در فضای عمل است. قوانین حمایتی - فراهمی، جنبه‌ای از دموکراسی و توسعه پایدار عمومی را تقویت می‌کند تا کارگزاران فعال توسعه فرهنگی، قدرت و منش و آزادی یابند تا در عمل، فکر و ابراز افکار و احساسات خود را در حمایت از محیط زیست، نشان دهند. به عبارتی با حقوق خود و حقوق «زیست محیطی» آشنایی یابند و بدانند که وظیفه دارند تا در مقابل منابع، مراکز، تاسیسات و سامانه‌های صنعتی و اقتصادی آلوده کننده محیط زیست ایستاده و از «محیط زیست» دفاع کنند.

به عبارت دیگر، قوانین حمایتی - فراهمی، اهداف حقوقی مورد انتظاری هستند که برپایه توسعه پایدار، آزادی سیاسی - اجتماعی را در اختیار شهروندان شهر - بندرها و کرانه‌های دریایی قرار می‌دهد تا که آنان، فرهنگ توسعه را ترویج و از محیط زیست دریایی دفاع کنند.

۵- قوانین حمایتی - فراهمی و فرهنگ؛ ظرفیت حقوقی تسری دموکراسی

به توسعه پایدار را تدارک می‌سازند.

توسعه پایدار به یک دموکراسی سیاسی - اجتماعی - فرهنگی نیاز دارد که با فراهم ساختن آموزش و آزادی رفتار برای همه‌ی شهروندان و تامین جنبه‌های دفاع از حقوق زیست محیطی، امکان مراقبت از محیط زیست را تدارک و پشتیبانی می‌نماید. سال‌هاست که دانش زیست محیطی به ما آموزانده است که: «پایین بودن توانایی جذب آلودگی، نبود جریان جا به جایی آب، بهره‌برداری و حمل و نقل نفت از خلیج فارس و هم‌چنین نقصان حجم نسبی آب خلیج فارس آن را مستعد آلوده شدن می‌نماید (پورنوری، منصور، ۱۳۸۳: ۱۴۳). مزید بر آن، ویژگی‌های زیست محیطی خلیج فارس موجب شد تا این منطقه به عنوان یک منطقه ویژه از نظر بین‌المللی در کنوانسیون ۱۹۷۳ مارپول به رسمیت شناخته شود (پورنوری، منصور، ۱۳۸۳: ۱۴۴).

هم چون مورد فوق، با بسیاری موارد دیگر نیز آشناییم که جمع آن، زمینه‌ای را برای شکل‌گیری حقوق عرفی فراهم نموده است.

طبق کنوانسیون ۱۹۵۸ میلادی دریای آزاد، هر کشوری می‌باید به طور معقول هنگام استفاده از دریای آزاد، منافع سایر کشورها را رعایت نمایند. این گفتار ممکن است به عنوان اصلی از حقوق بین‌الملل تلقی شود، زیرا تدوین کنندگان این کنوانسیون در مقدمه آن قصد خود را مبنی بر تاسیس اصول حقوق بین‌الملل اعلام داشتند. به علاوه تعهدات مندرج در ماده ۲ این کنوانسیون مورد تایید کمیسیون حقوق بین‌الملل واقع شد و در این باره اظهار کرد که «دولت‌ها مکلف هستند تا از هرگونه اقدامی که آثار زیان‌آور بر دریای آزاد در پی داشته باشد و موجب تضییع حقوق دیگران شود، جلوگیری کنند» (پورنوری، منصور، ۱۳۸۳: ۱۵۲).

نتیجه بحث فوق این است که در صورت فقدان هرگونه مقررات صریح برای جلوگیری از آلودگی آب‌ها، حقوق بین‌الملل عرفی^{۱۹۱} که تبلوری از رویه دولت‌ها و تصمیم‌های قضایی است، قابل اعمال خواهند بود و طبق آن دولت‌ها موظف هستند از هرگونه اقدام مضر در داخل قلمرو حاکمیت خود که احتمال خسارت به منافع درون سرزمینی و یا دیگر سرزمین‌ها به ویژه در خصوص محیط دریایی می‌رود، جلوگیری نمایند. عملیاتی شدن حقوق عرفی نیازمند وجود ضمانت اجرایی است و گرنه، ماهیتاً و در عمل دچار نقص و ایراد می‌شود. به یقین این نقایص جدی بوده است که جامعه جهانی را به این فکر انداخته است تا مقررات مشخص و گویاتری را در قالب کنوانسیون‌های

^{۱۹۱} - به آن دسته از ضوابط رفتاری تابعان حقوق بین‌الملل گفته می‌شود که از عرف نشأت گرفته‌اند و به منزله‌ی یک رویه‌ی عمومی به عنوان قانون پذیرفته شده‌اند. عرف بین‌المللی به همراه معاهدات و اصول حقوقی - کشورهای متمدن یکی از منابع اصلی دیوان بین‌المللی دادگستری برای حل و فصل اختلافات است.

بین‌المللی تدوین نماید، که در این خصوص می‌توان به ماده یک کنوانسیون ۱۹۷۲ میلادی «اسلو» و کنوانسیون ۱۹۷۲ میلادی «لندن» در خصوص جلوگیری از ریختن فضولات در دریا اشاره کرد.

دامنه گسترش این نوع از مواد قانونی را می‌توان در کنوانسیون ۱۹۸۲ (حقوق دریاها) دید که تعهدات جامع‌تری را برای حفظ و نگهداری محیط زیست دریایی با «کاهش و کنترل آلودگی از هر منبع» را وضع نمود.

تمامی این‌ها زمانی عملیاتی - اجرایی خواهند شد که اصل توسعه به معنای دموکراسی، بسط یابد و این، جامعه‌ها و مردم فرهنگی اندیش باشند که به پشتوانه آزادی عمل و اقدام قانونی، پا به میدان دفاع از حقوق عرفی، حقوق فرهنگی مرتبط با محیط زیست، حقوق محیط زیست دریایی، آبزیان و گیاهان دریایی و کران‌های پاک ساحلی، گذارند.

باید اذعان داشت که بدون حضور قوانین حمایتی - فراهمی و امر فرهنگ که موجبی برای حضور آحاد اجتماعی و نقش آفرینی کنشگران دریایی، بندری، صنایع کرانه‌ای، فعالان حمل و نقل دریایی که در قالب کارگزاران حرکت و پویایی به سوی دموکراسی فرهنگی هستند، کم‌ترین حد انتظار از «قوانین عرفی» و «کنوانسیون‌ها» را باید داشت و این همان هست که امروزه ما را درگیر آن داشته است تا در توجه به مساله محیط زیست دریایی، هم‌چنان و کماکان، پیرامون همان مسایل اولیه متعلق به شش دهه پیش اندیشه کنیم و برای ما هنوز، مسایلی هم‌چون آب توازن کشتی‌ها، آلوده سازهای کارخانه‌ای و صنعتی که سرریز به دریاها می‌شوند، کشند سرخ و امثالی از این دست جدی باشند، در حالی که وضعیت معاصر، توجه و تفکر به بسیاری از مسایل نوین در حوزه محیط زیست دریایی را طلب می‌کند.

به عبارتی ما نیاز به مردمان و کنش گران فرهنگی و فرهنگ آموخته داریم تا در پرتو قوانین حمایتی - فراهمی با موضوعیت دموکراسی، فرهنگ و آزادی در توسعه پایدار به دفاع و حفاظت از محیط زیست اهتمام کنیم. این حضور و نقش آفرینی مردم است تا به واسطه آنان بتوان از حقوق زیست محیطی دریایی و خشکی و هوایی مراقبت، حمایت و با آلاینده‌سازها و منابع صنعتی آلودگی آور، مقابله کرد.

در این راه بیش‌ترین مسوولیت در وضع و توسعه قوانین حمایتی - فراهمی متوجه کارگزاران سیاسی و قضایی کشورهای دریاکران و کشورهای برخوردار از وجود «احزاب سبز» است. اینان وظیفه دارند تا با وضع قوانین حمایتی - فراهمی، این وجه اساسی توسعه را در تبیین آزادی و دموکراسی برملا و عیان سازند. از وجود فرهنگ زیست محیطی حمایت و از مردم و کنش گران فرهنگی فعال در حوزه‌های شغلی و حرفه‌ای دریایی، بندری و کشتی‌رانی حمایت حقوقی به عمل آورند.

در کنار منابع فوق باید اشاره نمود که بیش‌ترین مسوولیت توسعه فرهنگی زیست محیطی متوجه جوانان است تا در تلاش برای پویا ساختن زندگی و پردازش کیفیت آن، جامعه‌های انسانی، حرفه‌ای و شغلی دریاکران را یاری رسانند.

قوانین حمایتی - فراهمی باید از تشکیل سازمان جهانی جنبش فرهنگی پیشاهنگی^{۱۹۲}، پیمان انجمن‌های صلیب سرخ و هلال احمر^{۱۹۳}، فدراسیون بین‌المللی جوانان برای مطالعات محیطی و حفظ منابع طبیعی^{۱۹۴} و سایر جنبش‌های دارای ماهیت فرهنگی به شدت دفاع کنند.

¹⁹² - World organization of the scout Movement.

¹⁹³ - League of Red Cross and Red Crescent Societies.

¹⁹⁴ - International Youth federation for Environmental studies and Conservation.

در مرتبه بعد، دفاع حقوقی (فراهمی - حمایتی) از سازمان‌های مردم نهاد و احزاب و گروه‌های سیاسی - اجتماعی مدافع حقوق زیست محیطی دریایی در کشورهای دریاکران، امری جدی است که در راه حمایت از محیط زیست دریایی طلب می‌شود. در مجموع باید دانسته شود که: محیط دریایی، کرانه‌های ساحلی و هر آن جایی که آب هست، چارچوبی برای زندگی فرهنگی و حقوقی باید فراهم باشد جز این اگر باشد، حقوق زیست محیطی و فرهنگ در معرض خطر، آسیب‌دیدگی و انقراض است. بر شاخ نشسته راه، تیشه زدن بر بن شاخ صلاح نیست.

نتیجه‌گیری

قصد اصلی از نوشتن این مقاله ارتقای فرهنگ کنشگران دریایی در مراقبت و محافظت از محیط زیست دریایی و هم چنین شناخت نسبی و عمومی نسبت به ظرفیت‌های حقوقی برای «فرهنگ سازی» و «اشاعه‌ی فرهنگ حقوقی» به منظور تقویت زمینه‌های پیش‌گیری و جاری‌سازی اقدام‌های حمایتی - فراهمی است. حال هدف از اقدام‌های حمایتی - فراهمی آن است تا وجدان اخلاقی - فرهنگی و خودآگاه جامعه‌ای و فردی که ناظر بر مراقبت و محافظت از محیط زیست دریایی باشد تقویت گردد و بر این اساس قوانین حمایتی - فراهمی کوشش دارند تا «قدرت همگانی»، «قدرت نهادهای مدنی» و «قدرت ساختارهای اجتماعی» را افزایش دهند و به این ترتیب، حرکت به سمت «نوگرایی» را که متضمن استیلاي «فرهنگ و اخلاق» به جای اتکای محض در «قانون» است آغاز کنند.

قوانین حمایتی - فراهمی کوشش دارند تا ابزارهای آموزشی - پرورشی موجود، اعم از مدارس، دانشکده‌ها، رادیو و تلویزیون، مطبوعات، فضای مجازی، تبلیغات و ... را در خدمت «فرهنگ‌سازی» به کار گیرند.

در مجموع باید دانسته شود که محیط دریایی، کرانه‌های ساحلی و هر آن جایی که آب هست، چارچوبی برای زندگی فرهنگی و حقوقی باید فراهم باشد. جز این اگر باشد، حقوق زیست محیطی و فرهنگ در معرض خطر و انقراض قرار می‌گیرد.

پیشنهاد:

- ۱- تقویت فرهنگ زیست محیطی است که به واسطه‌ی آن قدرت شناخت قدرت درک موضوع‌های زیست محیطی، قدرت درک مسوولیت کشورهای دریاگران، دریانوردان، کنش گران دریایی و مدیران صنعتی افزایش یابد.
- ۲- اصل توسعه پایدار در تکمیل ظرفیت دموکراسی با هدف مشارکت NGOها (سازمان‌های مردم نهاد) و عمیق ساختن قوانین حمایتی - فراهمی در جهت ایجاد همبستگی کامل بین زیست‌بوم و فضاهای نیازمند مراقبت در زیربخش کرانه‌های دریایی و دریا.
- ۳- ایجادکردن NGOهایی در زمینه‌ی حفاظت از محیط زیست دریایی و توسعه‌ی فرهنگ زیست محیطی که نوجوانان مشارکتی فعال در این زمینه داشته باشند تا برای پویا ساختن زندگی و پردازش کیفیت آن، جامعه‌های انسانی، حرفه‌ای و شغلی دریاگران را یاری رسانند.
- ۴- تقویت هویت فرهنگی و ترویج فرهنگ دریایی کشور و تنفیذ ارزش‌های آن به قوانین مدنی در حمایت از محیط زیست دریایی و کرانه‌ها.

منابع

- ۱- پورنوری، منصور؛ ۱۳۸۳ حقوق بین‌الملل دریاها، جلد اول، انتشارات مهد حقوق تهران
- ۲- سن، آمارتیا، ۱۳۹۱، توسعه یعنی آزادی ، ترجمه محمدسعید نوری نایینی ، نشر نی، تهران
- ۳- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، ۱۳۸۶، تهران
- ۴- لفت ویچ، آدریان ، ۱۳۸۹، دموکراسی و توسعه ، ترجمه احدعلیقلیان، افشین خاکباز، نشر طرح نو، تهران
- ۵- مانهایم، کارل، ۱۳۸۹، جامعه‌شناسی شناخت ، ترجمه فریبرز محمدی ، نشر ثالث، تهران

Archive of SID